

## نوبین‌سازی

## آموزش و پرورش روسیه

## (بخش اول)

## اشاره

این مقاله به‌عنوان یک مطالعه موردی، به فرایندهای جاری «نوبین‌سازی» آموزش و پرورش، طرز مفهوم‌سازی توسعه پاینده، و رویکردهای آموزش برای توسعه پاینده می‌پردازد. در این مطالعه، روسیه به‌عنوان نمونه کشوری انتخاب شده که دوره‌ای از انتقال، از نوعی جامعه به نوعی دیگر را پشت‌سر گذاشته است. این انتقال، از طرفی در پرداختن به مسائل توسعه پاینده چالش‌های بیشتری ایجاد می‌کند، و از طرف دیگر، ممکن است برای تغییر جامعه، و قرار دادن آن در مسیر توسعه پاینده، و توانمندسازی افراد از طریق پرورش توانایی‌ها توسط آموزش برای توسعه پاینده، فرصت‌های بیشتری ایجاد کند. دلیل دیگر انتخاب روسیه، سنت روشن‌فکری آن، در مد نظر داشتن «مسائل جهانی» (مانند سپهر فرهنگی) و تولید نظریه‌های اصیل علمی در علوم طبیعی است. این مقاله سابقه‌ای از نظام آموزشی روسیه به دست می‌دهد، دگرگونی‌های اخیر در ساختار، محتوا، و مدیریت آن را به همراه مثال‌هایی از آموزش فناوری و حرفه‌ای را تشریح می‌کند، و سرانجام فرصت‌هایی برای آموزش به‌منظور توسعه پاینده در این نظام را شناسایی می‌کند.

## کلیدواژه‌ها:

آموزش و پرورش تطبیقی،  
فنی و حرفه‌ای، نظام  
آموزشی

## سیاست آموزشی روسیه در دوره انتقال

بعد از انقلاب ۱۹۱۷، باور عمیقی وجود داشت که ریشه آزادی، برابری و اخوت، یک برنامه درسی عام است. ریشه این اندیشه‌ها در انقلاب فرانسه بود. ارزش زیربنایی سیاست آموزشی جمهوری سوم فرانسه این بود که: «انتظار می‌رفت ملت از راه گسترش حیطه‌های جدیدی از دانش به توده‌ها آزادی کسب کند. ... دولت هر بار که می‌خواهد به نام «ملت» کنترل مستقیم بر مردم را به دست گیرد، به روایت آزادی متشبه می‌شود تا مسیر پیشرفت را به آن‌ها نشان دهد» [Lyotard, 1979/1984:32].

مشخصه روسیه شوروی نیز همین روابط میان آموزش و پرورش و دولت بود. کنترل برنامه درسی مدرسه‌ها از مرکز، اصل عمده مدیریت، در سراسر دوره شوروی و پس از آن شد. تمامی دانش‌آموزان باید از برنامه درسی یکسانی در مدرسه‌ها پیروی می‌کردند. هدف‌های اصلی و محتوای درس‌ها نیز یکسان بود. اشاره ضمنی این رویکرد، یکسانی دستاورد تحصیلی دانش‌آموزان و کیفیت مدرسه بود. فرایند یادگیری، عمدتاً بر کسب دانش نظام‌مند تمرکز داشت. تربیت دانش‌محور، در چارچوب یک سنت دائرةالمعارفی که بر اندیشه‌های کمینوس<sup>۲</sup> بنا شده بود، تنظیم می‌شد، با این باور که تمامی دانش‌آموزان باید هر چه بیشتر درباره موضوعات مناسب سنشان دانش کسب کنند. هدف کلی تعلیم و تربیت «پان‌سوفیا»<sup>۳</sup> یا «خرد کلی» بود.

تمامی اصلاحات آموزشی که در جماهیر شوروی انجام شد، به سیاق «از بالا به پایین» تنظیم می‌شد. قصد این اصلاحات، دگرگونی نظام آموزشی و حفظ ثبات اجتماعی بود.

در اواخر دهه ۱۹۸۰، مؤسسه‌های آموزشی اولین نهادهایی بودند که به ایستایی جامعه شوروی واکنش نشان دادند. اصلاحات سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ نیاز نتایج مطلوبی به بار نیاورد و تا اواخر دهه ۱۹۸۰، نیاز به اصلاحات شدیدتر پدیدار شد. محتوای آموزش و حیات هر مدرسه، به لحاظ ایدئولوژیکی کنترل شد و قدرت به صورت متمرکز در سطح دولت باقی‌ماند. نه اولیا، نه دانش‌آموزان و نه کارفرمایان، هیچ‌یک نمی‌توانستند در بهبود نظام آموزشی که نمی‌توانست به نیازهای فرد، جامعه یا اقتصاد پاسخ دهد، سهمی داشته باشند.

در آن زمان جنبشی ریشه‌ای، موسوم به «تربیت تعاون»<sup>۴</sup> ایده‌هایی تازه عرضه کرد. معلمان ترقی‌خواه

از بخش‌های گوناگون جماهیر شوروی (تقریباً ۱۰ نفر) به مناسبت‌های متفاوت تشکیل جلسه دادند تا اصول تربیت نو را تدوین کنند. ایده‌های اصلی تلاش آنان عبارت بود از: «تأکید بر ماهیت فعال یادگیری» و «نیاز به محور قرار دادن دانش‌آموز در فرایند آموزش». درکنگره سراسری معلمان در سال ۱۹۸۹، این ایده‌ها در کشور مبنای بحث‌ها و اولویت‌های اصلاحات آموزشی را تشکیل می‌داد.

فروپاشی جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱. به معنای برپا داشتن نظام جدید آموزشی برای روسیه جدید بود. اولین فرمان پریزدنت **یلتسین**، به توسعه آموزش و پرورش اختصاص داشت. در ژوئن ۱۹۹۲، پارلمان قانون، آموزش و پرورش را تصویب کرد. به‌عنوان بخشی از این قانون، اصول سیاست‌های جدید آموزشی مورد تأیید قرار گرفتند. این اصول شامل «انسانی کردن»<sup>۵</sup> آموزش و پرورش (یعنی جهت‌گیری به سمت دانش‌آموز) و «انسان دوستانه کردن»<sup>۶</sup> آموزش و پرورش (یعنی لحاظ کردن درس‌های بیشتری از علوم انسانی در برنامه درسی)، تمرکززدایی، متنوع ساختن مدرسه‌ها و اصلاحات تربیت معلم بود. روح قانون ۱۹۹۲، حرکت *از الگو سیاسی، به سمت الگویی آموزشی و از جامعه استبدادی به سمت جامعه مدنی* بود.<sup>۷</sup> در سال ۱۹۹۶، اصلاحاتی در این قانون صورت گرفت.

این قانون آموزشی مسئولیت برنامه‌ریزی درسی را در سه سطح ملی (فدرال)، منطقه‌ای، و محلی تقسیم می‌کرد. اجزای منطقه‌ای و مدرسه‌محور برنامه درسی، برای ایجاد انعطاف بیشتر برای معلمان و برنامه‌ریزی درسی اعمال شده بود. جزء فدرال (اجباری) برنامه درسی که مشخصه آن استانداردها بود. به‌عنوان کمترین سطح آموزش دیده می‌شد که دولت آن را به‌منظور حفظ کیفیت آموزش تأمین می‌کرد.

از این‌رو اولین گام برای اصلاح محتوای آموزشی، به تدوین استانداردهای فدرال آموزشی مربوط می‌شد. برای تعریف این استانداردها فراخوانی اعلام شد و شش پیشنهاد از میان ۱۵۰ پیشنهاد برگزیده شد. برای اولین بار در تاریخ تعلیم و تربیت روسیه، دانشگاهیان در اتخاذ تصمیم سهمی شدند.

بر پایه قانون آموزشی، یک برنامه فدرال توسعه آموزشی، باز هم طی فراخوان، طراحی شد. این برنامه که در سال ۱۹۹۴ از تصویب گذشت، تأکیدش بر انتقال به توسعه متوازن آموزش و پرورش،

### بیست سال قبل

### هدف مدرسه‌های

### روسیه ارائه دانش

### علمی و مهارت‌های

### نظام‌مند بود. اکنون

### «آموزش و پرورش

### عبارت است از

### فرایند تربیتی

### اجتماعی کردن

### سازمان یافته که

### هدف آن منافع

### شخص و جامعه

### است»

در شرایط جدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، و نیز بر متنوع‌سازی محتوای آموزشی و انواع مدرسه‌ها بود. تا پایان سال ۱۹۹۵، پیشرفت‌هایی حاصل شد یعنی: انواع مدرسه‌ها تأسیس شدند؛ برنامه‌های ملی و منطقه‌ای توسعه آموزش و پرورش، برای مدنظر قرار دادن شرایط خاص بخش‌های مختلف روسیه طراحی شدند؛ مدیریت آموزشی غیرمتمرکز شد (که حال شامل چهار سطح تصمیم‌گیری می‌شد: وزارت فدرال، ادارات کل منطقه‌ای در محدوده فدراسیون روسیه، ادارات منطقه‌ای آموزش و پرورش در محدوده شهرها و مناطق و هیئت‌های اختصاصی مدارس)؛ و گروه‌های مختلف علاقه‌مند، به نحو فزاینده‌ای در توسعه نظام آموزشی دخیل شدند.

البته با وجود این نتایج، هدف‌های اصلی انتقال به توسعه متوازن و غلبه بر بحران موجود در آموزش و پرورش حاصل نشد عامل اصلی این ناکامی‌ها کمبود بودجه ارزیابی می‌شد. اعمال اصلاحات، در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، موجب کشمکش‌هایی درون نظام آموزشی شد. بی‌ثباتی جامعه روسیه در تمامی سپهرها، به‌ویژه پس از بحران ۱۹۹۸، امکان توسعه توأم با ثبات در آموزش و پرورش را زیر سؤال می‌برد.

### راهبرد نوین‌سازی

نقش مهمی که آموزش و پرورش در حیات جامعه ایفا می‌کند، به فاصله کوتاهی بعد از بحران، موجب شد باز برنامه اصلاحات آموزشی در بحث‌های سیاسی مطرح شود. دولت فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۰، دکتترین ملی تعلیم و تربیت را تصویب کرد که به آموزش و پرورش در سیاست‌های دولت و جهت‌گیری‌های اصلی برای توسعه آن. اولویت می‌داد. هم‌زمان با یک دهه اصلاحات شدید اقتصادی، فرایند نوین‌سازی آموزشی (اصلاحات آموزشی) جریان داشت. برخلاف اصلاحات اقتصادی که نسبتاً بدون مخالفت اجرا شد و اکثریت نیاز به انتقال به اقتصاد بازار را پذیرفته بودند اصلاحات آموزشی با برخورد میان دو گروه عمده مواجه شد. هر دو گروه مدعی بودند که هدف اصلاحات آموزشی، تنظیم نظام آموزشی برای نیل به دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی است. هر چند فهم آن‌ها از این فرایند «تمدن‌ساز» متفاوت بود که حاکی از دیدگاه‌های متفاوت تندی در زمینه راه‌های رسیدن به آن بود. گروه اول مدافع مسیری بود که بر پایه اعتلای

مردم براساس ارزش‌های بازار باشد و این برای نظام آموزشی روسیه تازگی داشت. گروه دوم مدعی بود که نظام قبلی که افرادی آگاه تولید می‌کرد، هنوز مطرح و معتبر است و لذا این در هر اصلاحی در نظام آموزشی باید مدنظر قرار گیرد. در «راهبرد نوین‌سازی»<sup>۸</sup>، سندی که هدف‌های اصلی، هدف‌های فرعی و دستورالعمل‌های برنامه عمل برای توسعه آموزش و پرورش روسیه تا سال ۲۰۱۰ را بیان می‌کند، میان این دیدگاه‌ها مصالحه‌ای حاصل کرد. این سند، مطابق با سند دکتترین ملی آموزش و پرورش<sup>۹</sup> تنظیم شد.

نوین‌سازی آموزش و پرورش روسیه از سال ۲۰۰۱ آغاز شد. راهبرد نوین‌سازی برای اصلاحات آموزشی در روسیه، در سطوح ساختاری، قانونی و برنامه درسی چند هدف تعیین کرد. سمت‌وسوی آن فائق آمدن بر تنزل کیفیت آموزش و پرورش برای نیل به نوسازی تمامی کشور بود. در این راهبرد، چهار اولویت برای سیاست‌های دولت شناسایی شده بود.

۸ تضمین دسترسی به آموزش توسط دولت: (دوره کامل آموزش عمومی رایگان در سطح استانداردهای آموزشی و اعمال آزمون متحدالشکل فارغ‌التحصیلی (یکسان در سطح کشور) که برای ورود به دانشگاه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۹ بالا بردن کیفیت آموزش عمومی: (تغییر جهت‌گیری آموزش از انتقال دانش به رشد دانش آموز، تلفیق ارزش‌ها در فرایند یادگیری، تغییر ساختار آموزش و پرورش و تغییر محتوای آن، و مدنظر قرار دادن تحصیلات مدرسه‌ای ۱۲ ساله.

۱۰ بالا بردن کیفیت آموزش حرفه‌ای، شامل آموزش حرفه‌ای و کارآموزی، و آموزش عالی: اصلاح محتوا و ساختار آموزش حرفه‌ای، مطابق با نیازهای صنعت و اقتصاد، نیازهای فرهنگ، و نظام استخدامی دولت، افزایش انعطاف، پیگیری دگرگونی‌های بازار، تقسیم مسئولیت تأمین بودجه مؤسسات حرفه‌ای بین دولت فدرال و دولت‌های محلی، تدوین فهرست روزآمدی از شغل‌ها، بررسی مدل‌های متفاوت یکپارچگی آموزش حرفه‌ای اولیه و متوسطه، و آموزش حرفه‌ای متوسطه و آموزش عالی.

۱۱ برقراری روابط مالی اثربخش در آموزش و پرورش: یعنی افزایش حمایت دولت، تدوین مدل‌های متنوع تأمین بودجه مؤسسات‌های آموزشی، معافیت‌های مالیاتی برای فعالیت‌های

### «تبحر یافتن در

### فرهنگ جامعه،

### موجب فعالیت فرد

### و برعهده گرفتن

### نقش‌های اجتماعی

### مختلف می‌شود»



آموزشی، و توسعه آموزش غیررسمی.

جنبه اصلی اصلاحات در تمامی سطوح آموزشی، نوسازی محتوای برنامه درسی، به‌عنوان راهی برای نیل به آشتی دادن ارزش‌های فرهنگی سنتی و سنت‌های آموزشی با نیاز تازه توسعه اقتصادی بین‌المللی بود. در این حالت مخلوطی از عناصر مدرن و «مدرن متأخر»<sup>۱۰</sup>، در محدوده یک نظام آموزشی، پیشنهاد می‌شود. تأکید مدل‌های آموزشی مدرن متأخر بر «هماهنگی»<sup>۱۱</sup> ایدئولوژیک آموزش و پرورش، با دانش / رقابت اقتصاد بین‌المللی به طور کامل است. مدل‌های مدرن آموزش و پرورش بر برابری فرصت‌های آموزشی تأکید می‌کنند. و از نظر ایدئولوژیک این موضوع را با توسعه شهروندی، و استیلای گفتمان‌های سیاسی و مدنی را بر گفتمان‌های اقتصادی، به نحو محکمی هماهنگ می‌کنند [Cowan, 1996].

دو مفهوم مهمی که معرف تنش‌های فوق در آموزش عمومی هستند. عبارت‌اند از: اعمال شایستگی‌های فرهنگ‌محور، و «آموزش نیم‌رخ»<sup>۱۲</sup>.

## چرخش از جهت‌گیری علمی به جهت‌گیری فرهنگی، در نوین‌سازی آموزش و پرورش روسیه

فرض عمده راهبرد نوین‌سازی نظام آموزشی روسیه آن است که ساخت محتوای آموزش باید مبتنی بر سپهر جنبه‌های مختلف فعالیت انسانی (یعنی فعالیت‌های شناختی، مدنی - اجتماعی، اجتماعی - کاری، خانه‌داری، و فرهنگی - فراغتی) باشد که جمعاً فرهنگ را تشکیل می‌دهند. این فرض تفاوت مهمی با باورهای پیشین دارد. بیست سال قبل هدف مدرسه‌های روسیه ارائه دانش علمی و مهارت‌های نظام‌مند بود. اکنون «آموزش و پرورش عبارت است از فرایند تربیتی اجتماعی کردن سازمان‌یافته که هدف آن منافع شخص و جامعه است». فرد باید در فرهنگ روسی اجتماعی شود.

پیش از تدوین راهبرد نوین‌سازی، دو هدف آموزش و پرورش که به یک میزان مهم بودند. یعنی آموزش دادن و پرورش دادن مردم، از هم جدا بودند. اکنون سیاست فعلی نوین‌سازی، به اجتماعی کردن از طریق آموزش اشاره دارد. طبق نظر لیدف و نیوپوکویفا<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۱) اجتماعی شدن عبارت است از «تبحر یافتن در فرهنگ جامعه که موجب فعالیت فرد و برعهده گرفتن نقش‌های اجتماعی مختلف

می‌شود». مبنای پرورش ظرفیت دانش‌آموز برای عمل، تسلط یافتن بر فرهنگ است.

چرخش از درک «تبحر» بر حسب علوم تجربی تا درک آن بر حسب فرهنگ، حائز اهمیت است و اکنون تأکید عمده اصلاحات آموزشی در روسیه همین است. لیدف می‌گوید: هدف عمده آموزش عمومی تلنبار کردن دانش از رشته‌های متفاوت نیست، بلکه پرورش توانایی‌های عام برای حل مسئله در هر جنبه از فعالیت است. در نوین‌سازی محتوا، تأکید اصلی بر پرورش شخص «فرهنگی» است که بالقوه قادر است در زمینه‌های متفاوت مسائل را حل کند. بدین ترتیب، توانایی بالقوه حل مسائل، هدف عمده آموزش و پرورش تلقی می‌شود. شایستگی‌هایی که در روسیه به رسمیت شناخته می‌شوند، پر از دانش و درک ویژه‌اند. به نظر می‌رسد این شایستگی‌ها برای سنت آموزشی روسیه مناسب هستند و امکان کسب نگاهی را به جهان و معنویت فراهم می‌کنند که نظام‌مند و مبتنی بر علوم‌اند و دانش‌آموزان را برای درگیر شدن با فعالیت‌های مناسب اجتماعی آماده می‌سازند.<sup>۱۴</sup>

۶ ساختار شایستگی‌های کلیدی از این قرار است: شایستگی‌های سپهر فعالیت‌های شناختی: بر پایه روش‌های مهارت یافتن در راهبردهایی برای کسب دانش از منابع اطلاعاتی متفاوت.

۷ شایستگی‌های سپهر فعالیت‌های مدنی - اجتماعی: شامل نقش شهروندان، رأی‌دهندگان و مصرف‌کنندگان.

۸ شایستگی‌های سپهر فعالیت‌های اجتماعی - کاری: شامل توانایی تجزیه و تحلیل وضعیت بازار کار، ارزیابی توانایی‌های حرفه‌ای خود،

**توانایی بالقوه حل مسائل، هدف عمده آموزش و پرورش تلقی می‌شود**

سازگاری با هنجارها و اخلاق در روابط کاری، و غیره. **ع شایستگی‌های سپهر خانه‌داری:** شامل مسائل بهداشتی، رفاه خانواده و غیره.

**ع شایستگی‌های سپهر فرهنگی - فراغتی:** از جمله انتخاب در زمینه‌های استفاده از اوقات بی‌کاری که می‌تواند فرد را از لحاظ فرهنگی و روحی غنی سازد.

در محدوده راهبرد نوین‌سازی محتوای آموزش عمومی، گفته می‌شود این فهرست شایستگی‌ها، معرف رویکرد نظام‌مندی به پرورش شایستگی‌هاست. شایستگی‌های مزبور وسیع‌تر از شایستگی‌های منحصر به زندگی شغلی هستند و جهت‌گیری عمده‌ای در تدوین «نسل جدیدی از استانداردها» برای مدرسه‌های روسیه دارند شایستگی‌ها که باید حاوی جهت‌گیری تازه‌ای از رویکرد «محتوامدار» به رویکرد «فعالیت‌مدار»، در یاددهی و یادگیری باشد. از این‌رو نتایج یادگیری باید از طریق الگوهای فعالیت‌ها تنظیم شوند.

### آموزش نیمرخ

آموزش نیمرخ به‌عنوان نمونه‌ای از حرفه‌ای کردن آموزش متوسطه، در سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. این نوع آموزش، با تصور آموزش دانش‌آموزان برای نیازهای اقتصادی، رابطه نزدیکی دارد و برای راه‌اندازی نظام نوین آموزش حرفه‌ای مادام‌العمر زمینه مناسبی فراهم کرده است. چون دانش‌آموزان باید بعد از پایه نهم تصمیمات مهمی اتخاذ کنند که به ادامه تحصیلاتشان مربوط می‌شود، راهبرد جدیدی موسوم به «آموزش پیش نیمرخ»<sup>۱۴</sup> آغاز شد که به آن‌ها در اخذ تصمیم کمک می‌کند. آموزش نیمرخ به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد که زمینه‌ای را به انتخاب خودشان به‌صورت عمقی بخوانند که این زمینه معمولاً به ادامه تحصیلاتشان مربوط است. در اینجا نیمرخ‌هایی به‌عنوان نمونه پیشنهاد می‌شوند (مدرسه‌ها می‌توانند برای خود نیمرخ‌هایی طراحی کنند): علوم تجربی، اقتصاد اجتماعی، علوم انسانی، فناوری، و نیمرخ‌های عام (غیرنیمرخ). از سال ۲۰۰۲، زمانی که وزارتخانه «سند مفهوم آموزش نیمرخ» را تأیید کرد، اجرای آزمایشی این رویکرد در بسیاری از منطقه‌های روسیه در دست پیگیری بوده است.

جهت‌گیری آموزش نیمرخ، افزایش فرصت‌های دانش‌آموزان برای انتخاب خط سیر مطالعات

شخصی است. خط سیر فردی طوری پیش‌بینی شده است که دانش‌آموزان بتوانند درس خواندن در مؤسسه‌های آموزشی متفاوت را نیز با هم ترکیب کنند<sup>۱۵</sup>. سند مفهوم آموزش نیمرخ، ساختار آموزش نیمرخ را چنین بیان می‌کند:

**ع** درس‌های اجباری برای تمامی نیمرخ‌ها در سطح پایه (ریاضیات، تاریخ، زبان روسی و زبان‌های خارجی، تربیت بدنی، درس تلفیقی مطالعات اجتماعی برای نیمرخ‌های غیرعلوم‌انسانی و درس تلفیقی علوم تجربی برای نیمرخ علوم انسانی)؛

**ع** درس‌های نیمرخ - مطالعات عمقی که نیمرخ را شکل می‌دهد مانند شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی برای نیمرخ علوم تجربی، ادبیات، زبان روسی و زبان‌های خارجی برای نیمرخ علوم انسانی، و تاریخ، حقوق، اقتصاد برای نیمرخ اقتصاد اجتماعی)؛

**ع** درس‌های انتخابی، درس‌هایی که درس‌های اجباری را تقویت می‌کنند، یا تخصصی را درون نیمرخ به وجود می‌آورند (مثلاً بوم‌شناسی و فناوری‌های شیمیایی برای نیمرخ علوم تجربی).

نسبت تقریبی ساعت تدریس میان این سه جزء به ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ است. درس‌های نیمرخ برای دانش‌آموزانی که هر نیمرخ خاصی را انتخاب می‌کنند، اجباری است. درس‌های عمومی و درس‌های نیمرخ در استانداردهای فدرال تعریف شده‌اند. درس‌های انتخابی در واکنش به نیازهای متفاوت منطقه‌ای پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین مدرسه‌ها یا اداره‌های منطقه‌ای آموزش و پرورش در مورد محتوای آن تصمیم می‌گیرند.

در سند مفهوم آموزش نیمرخ، برای تقویت آموزش نیمرخ، مدل‌های سازمانی متفاوتی پیشنهاد شده‌اند. مثلاً «مدل‌های مدرسه اصلی» تک‌نیمرخ یا چندنیمرخ، یا «مدل‌های شبکه‌ای» تک‌نیمرخ یا چندنیمرخ. برای مدل‌های شبکه‌ای دو نمونه پیشنهاد شده است:

**ع** تعدادی از مدرسه‌های اصلی، یک «مدرسه مرجع» انتخاب می‌کنند که می‌تواند نیمرخ خاصی را اجرا کند. تمامی مدرسه‌های شبکه درس‌های عمومی و انتخابی و بعضی از درس‌های نیمرخ را ارائه می‌کنند: مدرسه مرجع باقی درس‌های نیمرخ را ارائه می‌کند.

**ع** دانش‌آموز می‌تواند درس‌های نیمرخ را در مؤسسه‌های فنی و حرفه‌ای مؤسسه‌های آموزش غیررسمی یا از طریق نظام آموزش از راه‌دور بخواند.

**شایستگی‌ها باید حاوی جهت‌گیری تازه‌ای از رویکرد «محتوامدار» به رویکرد «فعالیت‌مدار»، در یاددهی و یادگیری باشد**

مدرسه‌ها تصمیم می‌گیرند که چه نیم‌رخ را ارائه کنند و یا آن را ارائه نکنند (مدرسه‌ها می‌توانند در رویکرد آموزش عمومی باقی بمانند). آموزش نیم‌رخ به دانش‌آموزان فشار می‌آورد. انتخاب مهمی صورت دهند؛ انتخابی مقدماتی برای جهت آتی (نیم‌رخ) اشتغال حرفه‌ای‌شان.



## نظام آموزشی

فرایند نوین‌سازی، بر ساختار آموزش و پرورش نیز تأثیر گذاشت. آموزش اجباری در روسیه متشکل از ۹ سال تحصیل در مدرسه است. کودکان در سن شش یا هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند و چهار سال در مدرسه ابتدایی درس می‌خوانند. دوره متوسطه (پایه‌های ۵ تا ۱۱) از دو جزء تشکیل می‌شوند: پایه‌های ۵ تا ۹ (آموزش عمومی پایه) که اجباری است و پایه‌های ۱۰ و ۱۱ (آموزش عمومی تکمیلی) که غیراجباری است. بعد از پایه ۹، دانش‌آموزان تصمیم می‌گیرند که دبیرستان را ترک کنند و به دنبال کار بروند، یا در یکی از انواع مدرسه‌های حرفه‌ای ادامه تحصیل دهند، یا برای دو سال دیگر در دبیرستان بمانند. دولت تکمیل آموزش عمومی را برای همه تضمین می‌کند.

ساختار آموزش حرفه‌ای در روسیه سه سطح دارد و عبارت است از هر نوع آموزش بعد از عمومی که شامل کارآموزی برای اشتغال در آینده می‌شود.

**سطح اول**، «آموزش حرفه‌ای مقدماتی» است. هدف آن تربیت کارگران ماهر برای تمامی شاخه‌های سپهرهای اقتصادی و اجتماعی است. نوع سنتی مدرسه حرفه‌ای در این سطح، «مدرسه تخصصی - فنی»<sup>۱۶</sup> خوانده می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند بعد از گذراندن پایه نهم، دو یا سه سال، یا بعد از گذراندن پایه یازدهم یک یا دو سال، در این مدرسه‌ها درس بخوانند. نوع جدید از مدرسه‌ها که در سال‌های اخیر تأسیس شده است، «لیسه حرفه‌ای»<sup>۱۷</sup> است. دانش‌آموزانی که از لیسه فارغ‌التحصیل می‌شوند،

نسبت به دانش‌آموختگان مدرسه تخصصی - فنی مدرک بالاتری کسب می‌کنند. طی ۱۰ سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در آموزش حرفه‌ای مقدماتی ثبت‌نام کرده‌اند، کاهش یافته است؛ گرچه آموزش حرفه‌ای مقدماتی هنوز بخش مهمی از نظام آموزشی است.

آموزش حرفه‌ای مقدماتی به برخی از دانش‌آموزان محروم فرصت می‌دهد که گواهی حرفه‌ای دریافت کنند و ضمن ادامه دادن تحصیل عمومی‌شان، درآمد داشته باشند. پیش از فروپاشی شوروی، آموزش حرفه‌ای مقدماتی در ۱۴۰۰ رشته شغلی، کارآموزی ارائه می‌کرد. اکنون بعد از چند بار اصلاح، این کارآموزی‌ها در ۳۸ گروه حرفه‌ای و ۲۸۰ حرفه یکپارچه ارائه می‌شوند.

این سازمان‌دهی دوباره، بعد از تصویب «سند مفهوم اصلاحات آموزشی در آموزش حرفه‌ای مقدماتی»<sup>۱۸</sup> آغاز شد. در سال ۱۹۹۹، فهرست جدیدی از حرفه‌ها تصویب شد و استانداردهای جدید تدوین شد.<sup>۱۹</sup> هر استاندارد شامل ویژگی‌های حرفه‌ای شغلی خاص، و ویژگی‌های ملی محتوای حرفه است.

**سطح دوم** آموزش حرفه‌ای، نوعی آموزش متوسطه حرفه‌ای است که کارآموزی متخصصان میانی و تکنیسین‌ها را تأمین می‌کند. این سطح بر مبنای دو برنامه آموزشی اصلی، یعنی مقدماتی و پیشرفته، سازمان‌دهی شده است.

دانش‌آموختگان بعد از گذراندن سطح مقدماتی، گواهی‌نامه تکنیسین دریافت می‌کنند. بعد از سطح پیشرفته (که مستلزم یک سال تحصیل بیشتر است)، گواهی‌نامه «سرتکنیسین»<sup>۲۰</sup> دریافت می‌کنند. همه ساله ۱۱ درصد دانش‌آموختگان پایه ۹ و ۲۳ درصد دانش‌آموختگان پایه ۱۱ در آموزش متوسطه حرفه‌ای ثبت‌نام می‌کنند.

محتوای آموزش سطح دوم آموزش حرفه‌ای را استانداردهای دولت تعیین می‌کند که متشکل از دو بخش ملی و منطقه‌ای است. آموزش حرفه‌ای متوسطه در مؤسسه‌های حرفه‌ای متوسطه و فوق متوسطه و کالج‌های فنی ارائه می‌شود. کالج‌ها سطح بعدی کارآموزی پیشرفته را ارائه می‌کنند. یک سال کارآموزی بیشتر در کالج، به دانش‌آموختگان امکان می‌دهد که مستقیماً به سال دوم مؤسسه‌های آموزش عالی وارد شوند. طبق طبقه‌بندی استانداردهای بین‌المللی «یونسکو» سطح دوم آموزش حرفه‌ای معادل آموزش عالی عملی یا آموزش عالی پیش‌دانشگاهی است.<sup>۲۱</sup>

**پیش از فروپاشی شوروی، آموزش حرفه‌ای مقدماتی در ۱۴۰۰ رشته شغلی، کارآموزی ارائه می‌کرد. اکنون بعد از چند بار اصلاح، این کارآموزی‌ها در ۳۸ گروه حرفه‌ای و ۲۸۰ حرفه یکپارچه ارائه می‌شوند.**

اقدام دیگری که آموزش حرفه‌ای را به نیازهای دانش‌آموزان نزدیک‌تر می‌کند، اقدامی است که در سند مفهوم آموزش نیم‌رخ در مرحله‌های بالای آموزش عمومی پیشنهاد شده است.<sup>۲۴</sup> به این معنا که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که وقتی در یک مؤسسه حرفه‌ای ثبت‌نام کردند، تأکید بر درس‌های حرفه‌ای، یا بر درس‌های عمومی را انتخاب کنند. سند مزبور، به نیاز به تغییر رویکردهای فعلی نسبت به مرحله‌های بالای آموزش حرفه‌ای اشاره کرده است. پیش‌تر درس‌های دانش‌آموزان بر پایه دو دسته استاندارد قرار داشت: یکی استانداردهای آموزش عمومی، و دیگری استانداردهای آموزش حرفه‌ای. این کار سبب مفصل شدن برنامه درسی و پایین آمدن کیفیت یادگیری شده بود. در سند مفهوم آموزش نیم‌رخ، برای فارغ‌التحصیلان پایه ۹ که درس‌شان را در آموزش حرفه‌ای سطح مقدماتی یا متوسطه ادامه می‌دهند، مدل زیر به صورت دو «پودمان»<sup>۲۵</sup> اجباری آموزش عمومی پیشنهاد شد که عبارت‌اند از:

● **پودمان اصلی آموزش عمومی (با جهت‌گیری نیم‌رخ و ۷۰۰ = ۵۰۰ ساعت):** این پودمان شامل چند درس عمومی است که به درک بهتر تخصصی شده، و درس یکپارچه علوم انسانی، که هدفش پرورش عمومی و فرهنگی دانش‌آموزان است، کمک می‌کند.

● **پودمان پرورش توانایی‌های عمومی (۳۰۰ ساعت):** این پودمان توانایی‌هایی را رشد می‌دهد که برای سازگاری کامل با بازار کار مورد نیاز هستند. بعد از دو پودمان فوق، دانش‌آموزان براساس علاقه‌ها و نمره‌هایشان به دو گروه تقسیم می‌شوند. برنامه درسی این دو گروه از لحاظ نسبت بین درس‌های عمومی و حرفه‌ای فرق می‌کند. گروه اول که اکثر دانش‌آموزان هستند، به مطالعه عمیق‌تر توانایی‌های حرفه‌ای ادامه می‌دهند. آن‌ها بعدها می‌توانند در کنکور شرکت کنند و بعد از مقداری کارآموزی بیشتر به نظام دانشگاهی وارد شوند.

گروه دوم شامل دانش‌آموزانی است که پودمان عمومی اصلی را با موفقیت خوانده‌اند و برنامه‌شان ادامه تحصیل در بخش آموزش عالی است. آن‌ها به خواندن مهارت‌های حرفه‌ای در سطح گواهی‌نامه پایین‌تر ادامه می‌دهند و یک پودمان عمومی اضافی برای آماده شدن برای کنکور می‌خوانند. این پودمان را می‌توانند در مدرسه حرفه‌ای، یا

در سال ۲۰۰۲ وزارت آموزش و پرورش برای مدرسه‌های متوسطه حرفه‌ای چارچوبی تهیه کرد که به‌عنوان بخشی از آموزش متوسطه حرفه‌ای، آموزش عمومی تکمیلی ارائه کنند.<sup>۲۶</sup> این برنامه دانش‌آموزانی را شامل می‌شود که بعد از پایه نهم در این نظام ثبت‌نام می‌کنند. در اینجا هم مانند مدرسه‌های اصلی، بخش اجباری برنامه درسی شامل بخش ملی، متشکل از ۱۶۳۲ ساعت آموزش است. این بخش کیفیت آموزش و امکان رفتن به سطح‌های بالاتر تحصیل را تضمین می‌کند و شامل این درس‌ها می‌شود: فلسفه/ زبان (۲۷۲ ساعت)، ریاضیات (۲۷۲ ساعت)، علوم اجتماعی (۳۴۰ ساعت)، علوم تجربی (۴۰۸ ساعت)، تربیت بدنی (۲۰۴ ساعت)، و فناوری (۱۳۶ ساعت)، توصیه شده است که ۱۴۰۴ ساعت از بخش ملی آموزش‌ها در سال اول، و بقیه در سال دوم تحت پوشش قرار گیرد. کل ساعات تدریس در هر سال، ۲۱۰۶ ساعت (یعنی ۵۴ ساعت در هفته) است. جزء آموزش عمومی در مدرسه‌های متوسطه حرفه‌ای می‌تواند در محدوده پنج نیم‌رخ سازمان‌دهی شود: یعنی: علوم انسانی، تعلیم و تربیت، اقتصاد اجتماعی، فنی، و علوم تجربی. تفاوت‌هایی در ساعات تدریس این نیم‌رخ‌ها در سند پیشنهاد شده است.<sup>۲۷</sup> (جدول ۱).

بوم‌شناسی اجباری نیست. البته این در تمامی نیم‌رخ‌ها، به‌عنوان درسی در علوم تجربی لحاظ شده و ۳۹ ساعت به آن اختصاص داده شده است. آموزش فناوری درسی اجباری است. این درس به دانش‌آموزان امکان می‌دهد، آموزش عمومی‌شان را روی زمینه‌ای که بیشتر مورد علاقه‌شان است که به رشته شغلی مورد علاقه‌شان مربوط است، تمرکز دهند.

## طی پنج سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح دوم آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، افزایش یافته است

جدول ۱. توزیع وقت پیشنهاد شده برای نیم‌رخ و رشته‌های متفاوت (به ساعت)

| رشته‌ها و درس‌ها | علوم انسانی | تعلیم و تربیت | اقتصاد اجتماعی | فنی  | علوم تجربی |
|------------------|-------------|---------------|----------------|------|------------|
| فلسفه/ زبان      | ۳۹۰         | ۳۵۱           | ۲۷۳            | ۲۷۳  | ۲۷۳        |
| ریاضیات          | ۲۳۴         | ۲۳۴           | ۲۷۳            | ۲۷۳  | ۲۳۴        |
| علوم اجتماعی     | ۲۷۳         | ۲۷۳           | ۲۷۳            | ۲۳۴  | ۲۷۳        |
| علوم تجربی       | ۲۷۳         | ۳۵۱           | ۳۵۱            | ۳۹۰  | ۴۲۹        |
| تربیت بدنی       | ۱۹۵         | ۱۵۶           | ۱۹۵            | ۱۹۵  | ۱۵۶        |
| فناوری           | ۳۹          | ۳۹            | ۳۹             | ۳۹   | ۳۹         |
| جمع              | ۱۴۰۴        | ۱۴۰۴          | ۱۴۰۴           | ۱۴۰۴ | ۱۴۰۴       |

نزدیک‌ترین مدرسه اصلی بخوانند. در نتیجه این مدل دانش‌آموزان ناچار نیستند برنامه تحصیلی مفصلی را بگذرانند، هر چند به خاطر تأکید واضح و مشخص این دو برنامه (دو گروه)، منافع مدرسه مفیدتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

حضور بخش عمده‌ای از آموزش عمومی درون نظام آموزش حرفه‌ای، ویژگی خاص آموزش حرفه‌ای روسیه است. آموزش فناوری، و نیز بوم‌شناسی، بخشی از آموزش عمومی را تشکیل می‌دهند. می‌توان به‌منظور آموزش برای توسعه پایدار، از طریق جزء آموزش عمومی آموزش حرفه‌ای، از رویکرد دگرگونی ارزش استفاده کرد. محمل دیگر برای انجام این کار، دوره‌های کارآموزی است که مستقیماً دانش‌آموزان را برای حرفه‌های آینده آماده می‌کنند. این دوره‌ها می‌توانند شامل رویکرد مهندسی زیست محیطی باشند که به راه‌حل‌های فنی برای مسائل بوم‌زیستی مربوط است.

تفاوت عمده میان دو سطح اول آموزش حرفه‌ای، عمق مطالعات است که معمولاً به تخصص بستگی دارد. مثلاً طراحان در سطح دوم و آرایشگری در سطح مقدماتی، آموزش حرفه‌ای کارآموزی می‌بینند. طی ۱۰ سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح مقدماتی آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، ۱۷ درصد کاهش داشته است<sup>۲۶</sup> در حالی که طی پنج سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح دوم آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، افزایش یافته است. این حاکی از روندی به سمت سطوح بالاتر آموزش، و احیای نقش آموزش و پرورش در جامعه از نظر ارائه فرصت برای انتخاب مسیر بهتر برای زندگی است.

**سطح سوم** آموزش حرفه‌ای، آموزش عالی است که سه نوع مؤسسه آموزش عالی درگیر آن هستند: دانشگاه‌ها، آکادمی‌ها و انستیتوها. این مؤسسه‌ها همچنین شکلی از آموزش حرفه‌ای بعد از دانشگاه را در سطح درجه «کاندیدات ناوک»<sup>۲۷</sup> (درجه پژوهشی که در کشورهای دیگر به‌عنوان درجه دکترا پذیرفته می‌شود) ارائه می‌کنند. بعد از آن درجه دکترا و سپس فوق دکترا، و نیز کارآموزی ضمن خدمت برای کارکنان آموزش عالی قرار دارد. محتوای برنامه‌های آموزشی، تعداد ساعات آموزش، و شرایط فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، توسط استانداردهای آموزشی دولت مشخص می‌شوند. دانشجویان می‌توانند به‌صورت تمام‌وقت، پاره‌وقت یا غیرحضور (ترکیبی از آموزش از راه دور و جلسات

فشرده حضوری) درس بخوانند.

بعد از کاهش تعداد دانشجویان آموزش عالی در اواسط دهه ۱۹۹۰ (در سال ۱۹۹۵ به ازای هر ده‌هزار نفر ۱۸۹ دانشجو وجود داشت)، اکنون تعداد دانشجویان در حال رشد است. آموزش عالی دانشجویان را برای ۳۵۰ تخصص آماده می‌کنند. انستیتوها نیز معلمان آموزش فناوری را تربیت می‌کنند<sup>۲۸</sup>. مرحله‌بندی آموزش به سطح‌های چندگانه، مدل تازه‌ای برای آموزش عالی است که هدف آن یکی کردن آموزش عالی روسیه با نظام اروپایی است. در سال ۱۹۹۴ فرمانی از طرف دولت روسیه، موجب رویکردی عمومی برای ایجاد ساختار بخش آموزش عالی چند سطحی شد<sup>۲۹</sup>. بعد از گذراندن سطح اول آموزش عالی که دو سال طول می‌کشد، دانشجویان می‌توانند فوق دیپلم بگیرند.

سطح دوم دوره چهار ساله لیسانس است. شرایط دولت، چارچوب محتوای آموزش‌های حرفه‌ای برای کسب صلاحیت آموزشی، از نظر حداقل محتوا، و سطح شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی در زمینه‌های خاص را تعیین می‌کند. سطح سوم آموزش عالی می‌تواند یکی از این دو نوع باشد: برنامه فوق لیسانسی که دو سال به طول می‌انجامد و فارغ‌التحصیلان را برای تحقیق و/یا تدریس آماده می‌کند، یا برنامه یک ساله اسپشالیته<sup>۳۰</sup> [تخصص] که دانشجویان را آماده می‌کند تا مدرس، مهندس، اقتصاددان و غیره باشند (برنامه قدیمی). بنابراین ترکیبی از ساختارهای جدید و قدیمی وجود دارد.

فرایند یکی‌سازی آموزش عالی روسیه با نظام اروپایی، از امضای موافقت‌نامه‌ای در مورد بخش آموزش عالی مشترک در سراسر اروپا آغاز شد که در سال ۱۹۹۹ در «بلونی» به امضا رسید. مدارج لیسانس و فوق لیسانس به تدریج در تمامی رشته‌ها راه‌اندازی می‌شود. اکنون فارغ‌التحصیلان می‌توانند درجه لیسانس، متخصص (مثلاً مدرس، پزشک یا حقوق‌دان)، و درجه فوق لیسانس کسب کنند. ساختار برنامه‌های تحصیلی می‌تواند ممتد (۵ تا ۶ سال)، یا مبتنی بر سطح‌ها باشد. نهادهای ملی قوه مجریه که تا حدودی مسئول بودجه مؤسسه‌ها هستند، تعداد دانشجویان ورودی سال اول آموزش عالی را تعیین می‌کنند.

بخش دوم مطلب فوق را در شماره آینده پی‌گیری نمائید.

#### \* پی‌نوشت‌ها

1. modernization
2. Comenius
3. Pansofia
4. Pedagogy of Cooperation
5. humanisation
6. humanitarisation
7. Russian Federation, Federal Law, 1996.
8. The Ministry of Education of the Russian Federation, National Fund for Personal Training, 2001.
9. Government of the Russian Federation, 2000.
10. late modern.
11. pairing
12. profile education
13. Ministry of Education of the Russian Federation, National Fund for Personal Training, 2001. pp. 4-5.
14. pre - profile education
15. Government of the Russian Federation, 2004.
16. professional - technical school (PTU)
17. Vocational Lyceum
18. Government Of The Russian Federation, 1997
19. Ministry of Education of the Russian Federation, 1999
20. chief technician
21. the programme of vocational education development, 2004.
22. Ministry of Education of the Russian Federation, 2002 b.
23. Ibid.
24. Ministry of Education of the Russian federation, the Russian Academy of Education, 2002.
25. Modules
26. Vocational Education, 2003
27. Kandidat Nauk
28. Statistics of Russian Education
29. Russian Government, 1994
30. Specialitet